

مطالعه تطبیقی ویژگی های فرش های غرب ایران، با تاکید بر فرش بختیاری، ایل شاهسون و فرش استان همدان (تشابهات و تفاوت ها)

لیلا مقدسی^{۱*}، دکتر غلامرضا طوسیان شاندریز^۲

۱- دانشجوی کارشناسی هنرهای صناعی، دانشگاه مازندران.

۲- استادیار گروه هنر، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران شرق

چکیده

فرش ایران که نقوش و ویژگی هایی به وسعت سرزمین ایران دارد، در هر شهر، روستا و ایلی، معرف فرهنگی غنی و بی بدیلی است که وام دار اصالتی چند هزار ساله است. پژوهش توصیفی حاضر که با هدف بررسی و تحلیل تطبیقی شیوه های بافت، نقوش و ویژگی های فرش بختیاری، شاهسون و همدان که سه مرکز مهم بافت فرش غرب کشور است پرداخته شده است. روش پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای و به شیوه فیش برداری از کتب مرجع، تالیفات، مقالات معتبر و در مواردی مطالعه میدانی بوده است. در این پژوهش ابتدا به معرفی فرش و سیر تاریخی روش های تهیه فرش که شامل چهار شیوه نمادی، فرش تخت، فرش گره دار و فرش ماشینی است اشاره شده و سپس به موضوع مواد اولیه، رنگ، نقش و... در فرش مناطق شهری باف و بافندگان کوچ رو غرب ایران پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بررسی نقوش فرش مناطق مختلف ایران، بدون آشنایی با فرهنگ و باورهای بومی میسر نمی‌گردد و کاربرد آن به دو شکل علمی و عملی بوده است. صورت علمی آن مبانی، زیبایی شناسی نقوش مراکز فرش بافی را در برگرفته و صورت عملی آن استخراج و بهره مندی هنرمندان رشته های دیگر هنری در خلق آثار فاخر بومی - ملی است.

کلمات کلیدی: فرش، بختیاری، ایل شاهسون، استان همدان، نقوش.

مقدمه

هنر، ترسیم جمال و زیبایی و گریز از گفتمانی عینی و محسوس است. ضرب آهنگی است متناسب، پدیده ای است انسانی که با ترجمانی پویا و معنوی، بستر تجلی، عظمت و زیبایی و جمال خداوندگار را فراهم می آورد (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۳). فرش در لغت به معنای گستردن و گسترده شدن است. ولی در اصطلاح به زیراندازی گفته می شود که با دست، یا ماشین بافته می شود. کلمه قالی به نظر می رسد از قرن سوم هجری در نوشته ها و کتاب ها رایج شده باشد. لفظ قالی از واژه کالین و از زبان پهلوی به صورت گالین وارد فارسی دری شده و بعدها به صورت قالین در آمده است (حصوری، ۱۳۷۱). پروفوسور ویلهلم میستر معتقد است که لغت آلمانی Teppich و لغت فرانسوی Tapis و لغت چینی Ta-Teug که همگی در مفهوم قالی، به کار می روند، از لغتی در فارسی، با ریشه، تاب به معنی رسیدن مشتق شده است (حشمتی